بررسي موانع دروني و بيروني وحدت امت اسلامي

بررسي موانع دروني و بيروني وحدت امت اسلامي

احد داوري[1]، حميده شفيعي[2]و حكيمه ياري [3]

چكيده

در برهه‌ي كنوني، نظام سرمايه‌داري غرب با هدف قرار دادن پايه‌هاي اسلام بيش‌ازپيش در تلاش است تا سيادت خود را در جامعه‌ي جهاني تثبيت نمايد يكي از راه‌هاي رسيدن به چنين طرح و نقشه‌اي ايجاد تفرقه، اختلاف و دشمني ميان مسلمانان است بدين‌جهت وحدت امت اسلامي كه مايه قدرت و شوكت آنان و همچون خاري در چشم مستكبران جهان است بدون مانع نخواهد بود و واكنش سختِ بدخواهان اسلام و را با برنامه‌ريزي دقيق و طولاني به همراه خواهد داشت، هرچند كه نمي‌توان در تحقق اين انديشه‌ي شوم نقش برخي عوامل موجود در درون جامعه‌ي اسلامي را ناديده گرفت كه دانسته يا نادانسته با آنان هم‌نوا شده‌اند. شناخت اين موانع و تلاش در جهت رفع آن‌ها از سوي عالمان و انديشمندان مسلمان، امري بايسته و قطعي است كه بي‌توجهي به آن، خسارت عظيمي بر پيكره امت اسلامي وارد خواهد ساخت. در اين

پژوهش جهت تحقق اين امر بنيادين، با تحليل آيات و روايات، مهم‌ترين موانع دروني وحدت از قبيل فقدان رهبري صالح، ملي‌گرايي، تعصب‌هاي مذهبي قومي نژادي، جهل و ناآگاهي توده‌هاي مردم، تكفير يكديگر و موانع بيروني آن مانند نامشخص گذاشتن مرزهاي سياسي، جنگ نرم، فرقه سازي و حمايت از فرقه‌هاي انحرافي و نفوذ منافقان در ميان صفوف مسلمانان موردبررسي قرارگرفته است.

واژگان كليدي: وحدت، موانع دروني وحدت، موانع بيروني وحدت، امت اسلامي، قرآن كريم.

مقدمه

اختلاف و تفرقه در ميان هر قوم، ملت يا جامعه‌اي موجب استيلا و حاكميت بيگانگان و تسلط و تفوق غيرخودي‌ها بر آن جامعه و ملت مي‌شود. در طول تاريخ حيات بشريت، انسان‌ها با هر ايده و آييني، در صورت اتحاد و هماهنگي توانسته‌اند اهداف و آمال خود را محقق سازند چنانچه علي بن ابيطالب عليه‌السلام در خطاب به ياران خود زماني كه خبر تسلط بسر بن ارطاة را بر يمن شنيدند، فرمودند: وَ إِنِّي وَ اللَّهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلاءِ الْقَوْمَ سَيُدَالُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ (نهج‌البلاغه، خ 25)؛ آن‌ها در ياري‌كردن باطل خود، وحدت دارند و شما در دفاع از حق متفرّقيد!

تاريخ و تمدن مسلمانان حاكي و حامل دوراني طلايي است آن هنگام كه در سايه‌ي عمل به فهم صحيح از قرآن در تمام ابعاد زندگي انساني، مسلمانان سرآمد جهانيان شدند آنان توانستند ابرقدرت‌هايي چون ايران و روم را در مقابل نداي حق‌طلبي اسلام به زانو درآورده و تسليم خود كنند و گستره‌ي نفوذ علمي، معنوي و جغرافيايي‌شان را تا اندلس (اسپانياي كنوني) به‌پيش برند. در چنين شرايطي بود كه عالمان برجسته‌اي نظير ابن مالک در نحو، قرطبي در تفسير، ابن رشد در فلسفه و... پرورش يافتند. چنانكه انديشمندان غربي چون گوستاولوبون، با اعتراف به برتري علمي جوامع مسلمان بر جوامع غربي طي چند قرن، مي‌گويد: تقريباً حدود 5 الي 6 قرن، تنها كتاب‌هاي علمي كه در دانشگاه‌هاي اروپا تدريس مي‌شد؛ همان كتاب‌هايي بود كه از زبان‌هاي عربي به لاتين ترجمه‌شده بود. (لوبون، بي‌تا،77)

حال سؤال اين است كه چرا مسلمانان با آن پيشينه‌ي درخشان و سيادت بر جهانيان اكنون با اين‌همه مشكلات و معضلات در سطوح مختلف علمي، اقتصادي، اجتماعي و... دست‌به‌گريبان‌اند. علت نفوذ و سيطره مستقيم و غيرمستقيم استكبار بر امت اسلامي چيست؟ بي‌شک يكي از عوامل اصلي اين مشكلات و معضلات تفرقه‌افكني‌هاي بيگانگان و تشتت در ميان مسلمين است. رفع و دفع اين تنازعات خانمان‌سوز در عصر حاضر از اهميت بيشتري برخوردار است. چراكه امروزه انواع تفرقه‌افكني‌ها و عوامل بيروني و دروني آن در جهان اسلام، ما را به‌سوي درک اين مصلحت سوق مي‌دهد كه حتي اگر انديشه‌هاي ضد تقريبي داشته

يا به مباني مذهبي ساير مسلمانان اعتقادي نداشته باشيم، از طرح مسائل تفرقه‌برانگيز منصرف شده و با تأكيد بر وحدت به پايداري اسلام و جامعه اسلامي بينديشيم. با اهتمام به اين وظيفه‌ي ديني و اجتماعي است كه مي‌توانيم امت اسلامي را از جايگاه مناسب‌تري برخوردار سازيم و پشتوانه‌اي قوي براي عزت آن فراهم‌سازيم. (ر.ك: آقا نوري، 1387، 18)

مفهوم شناسي

«وحدت» در لغت از ريشه «وَحَدَ» يگانه شدن و انفراد (ابن فارس، 1387، 1014؛ فيروزآبادي، 1430 ق،1644) است و وقتي در باب افتعال به كار مي‌رود به معناي «اتحاد» يكي شدن دو چيز موجود است. (طريحي، 1415 ق،4/476) در ادبيات فارسي نيز، به معناي همبستگي، همگرايي، يكدلي، يگانگي، يك‌جهتي، موافقت، اجتماع و باهم بودن در يک امراست (معين، 1375، 4989) لذا مي‌توان در اتحاد دو يا چند چيز، دو عنصر مهم را مطرح كرد: عنصر اول، حفظ خاصيت شخصي و عنصر دوم يكي شدن؛ بنابراين هرگاه چند چيز، با حفظ خاصيت شخصي خود، با هم يكي شوند، اتحاد حاصل خواهد شد. (جوادي آملي، 1386، 15) با اين توصيف مي‌توان وحدت اسلامي را در رسيدن به‌نوعي يگانگي در منافع و اهداف و تقريب در باورهاي ديني، از سوي كساني كه به‌رغم اجتهادات مختلف، مشتركات بسياري دارند دانست. (آقا نوري، 1387. 19-18) وحدت و اتحاد بر دو گونه است، مطلوب و نامطلوب، اگر اتحاد و وحدت بر مدار اجراي حقّ نباشد، بر ضلالت و گمراهي خواهد بود و چنين اتحادي نمي‌تواند مقدس و مطلوب باشد. چراكه امري زيان‌بخش بوده و تقبيح شده است. (جوادي آملي، 1386، 21) علي بن ابيطالب (ع) دراين‌باره مي‌فرمايد: مردم در آن روز (آينده) بر تفرقه و پراكندگي اتحاد مي‌كنند و در وحدت و يگانگي، پراكندگي دارند؛ گويا اين مردم، پيشوايان قرآن‌اند و قرآن پيشواي آنان نيست. در اين هنگام جز نامي از قرآن نزدشان باقي نماند و جز خطوط آن چيزي نشناسند... (نهج‌البلاغه، خطبه 147)

مفهوم امت در اصل عبارت از گروهی است كه وحدت نسبی داشته باشند و از باب توسعه بر اهل يك ملت اطلاق مي‌گردد. (طيب، 1378، 2/229) اما بااين‌وجود اين دو مفاهيم «ملت» و «امت» با يكديگر تفاوت‌هاي ظريفي دارند بدين گونه كه مفهوم ملت نوظهور بوده و به‌عنوان عامل انساني جامعه سياسي و يكي از عناصر سه‌گانه تشكيل‌دهنده دولت- كشور در ارتباط با سرزمين معين معنا پيدا مي‌كند؛ بنابراين وجه افتراق اين مفهوم با ملت از دو نظر است: نخست آنكه ملت، وابسته به سرزميني مشخص است يعني مفهومي درون‌مرزي دارد حال‌آنكه امت مفهومي است فرامرزي. امت پديده‌اي است ناشي از يک عامل فرهنگي (دين) و مفهوم ملت حاصل چند عامل فرهنگي و محيطي است. (آشوري، 1389، 221) بنابراين وحدت امت اسلامي منحصر و محدود به يک جغرافياي خاص نيست اين وحدت حاصل تعامل و تفاهم بين مذاهب در كشورهاي مختلف اسلامي است بدين معنا كه مذاهب اسلامي در عين وجود اختلافات عقيدتي و مباحثه‌ي علمي نيكو در اختلافات در كنار يكديگر زندگي برادرانه و مسالمت‌آميز داشته باشند و هميشه در مقابل

جبهه‌ي ضد اسلام متحد بوده و در اين امر شركت فعال داشته باشند و به اين معنا نيست كه شريعت و قوانين مذاهب هم يكي شود.

بررسي موانع دروني و بيروني وحدت امت اسلامي

وحدت مطلوب امت اسلامي به طرق مختلف دچار خدشه و آسيب گشته است كه در يک بررسي كلي و اجمالي مي‌توان آن‌ها را در دو گروه جاي داد، دروني و بيروني. اكنون به‌قدر وسع اين نوشتار به برخي از موانع دروني و بيروني وحدت اسلامي، اشاره مي‌كنيم:

موانع دروني وحدت امت اسلامي

موانع دروني، آن دسته از گفتارها، كردارها و اقدامات و مواضعي است كه كلي يا جزئي با اصول ثابت ايمان و شالوده‌ها و كليات شرعي و اهداف و مقاصد اسلامي، در تضاد قرار دارند. مي‌توان موانع دروني را كه به‌مراتب تأثير بيشتري نسبت به ساير موانع در وحدت اسلامي دارند را به شرح زير برشمرد.

الف: جهل و ناآگاهي توده مردم

جهل همان‌گونه كه علماي فقه اللغة گفته‌اند به معناي «ندانستن» است. (فراهيدي، 1410 ق، 3/390؛ ابن منظور، 1414 ق، 11/ 129) امّا در معناي اصيلش متضاد و در مقابل علم نيست، بلكه مقابل حِلم كه بر معقوليت اخلاقي يک انسان بافرهنگ دلالت مي‌كند قرار دارد (ايزوتسو، 1360، 34)

قرآن كريم برخي را كه با آگاهي، اعمال شنيع و زشت مرتكب مي‌شوند را جاهل قلمداد مي‌كند: قالُوا يا مُوسَى اجْعَلْ لَنا إِلهاً كَما لَهُمْ آلِهَةٌ قالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (اعراف/138) گفتند: «اى موسى، همان‌گونه كه براى آنان خدايانى است، براى ما [نيز] خدايى قرار ده گفت: راستى شما گروهى هستيد كه نادانى مى‌كنيد.» پس جهل معنايي وسيع‌تر از ندانستن دارد؛ معنايي عام و حقيقي كه منشأ سقوط و عامل انحطاط و عقب‌ماندگي امت‌ها و جوامع مي‌گردد و اين معضلي است كه امت اسلام در راه وحدت اسلامي با آن روبروست. (جوادي آملي، 1388، 389) درواقع جهل يک وضعيت پويا، يک حالت روحي و رواني خاص هست كه در پي فرصتي است تا در هر زمان به صحنه‌ي ذهن آمده و فعاليت خود را شروع كند ازاين‌رو پيامبر (صلوات ا و سلامه عليه) آن را تهديد و خطري پايدار براي دين اسلام قلمداد كرده‌اند. (ايزوتسو، 1360، 34) زيرا «جهالت و ناداني برخي جاهلان زمينه‌ساز رسوخ منافقان و فرصت‌طلبان گشته است. با دقت در آيات قرآن كريم (طه/89، 90 و 96؛ اعراف/148)؛ به‌روشني درمي‌يابيم كه در برخي از مواقع، جهالت و ناداني برخي از افراد باعث شده تا آزادي و بيداري

ملت‌ها دستخوش توطئه و افكار مخرب و طغيان گر دشمن قرار گيرد» (حيدري و يدا‌ پور 1390، 133-132)

امام صادق (ع) در اين زمينه فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ خَصَّ عِبَادَهُ بِآيَتَيْنِ مِنْ كِتَابِهِ: أَنْ لَايَقُولُوا حَتَّى يَعْلَمُوا، وَ لَا يَرُدُّوا مَا لَمْ يَعْلَمُوا»، (كليني، 1429 ق، 1/ 105) خداوند با دو آيه از قرآن، دو درس مهم به اين امت داده است، نخست اينكه جز آنچه مي‌دانند نگويند و ديگر اينكه آنچه را نمي‌دانند انكار نكنند، سپس دو آيه زير را تلاوت فرمود: أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثاقُ الْكِتابِ أَنْ لا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ (اعراف/169) «آيا خداوند پيمان كتاب آسمانى را از آن‌ها نگرفته است كه جز حق در مورد خداوند نگويند» بَلْ كَذَّبُوا بِما لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ (يونس/39) « مشركان چيزهايى را انكار كردند كه از آن آگاهى نداشتند،».

ب: ملي‌گرايي، تعصب‌هاي مذهبي، قومي، نژادي و قبيله‌اي

تعلق و تعهد انسان به محيط و نزديكان و وابستگان سببي و نسبي و در مقياسي گسترده‌تر جغرافياي سرزميني خويش امري پسنديده و قابل‌تحسين است چنانكه حديث «حب الوطن من الايمان» (هاشمي خوئي،1400 ق، 21/394) اشاره به اين مطلب دارد اما اگر اين حب و علاقه به افراط‌وتفريط كشيده و افراد به خاطر تعلق و وابستگي به ملت و سرزمين خاصي، همه‌ي اصول انساني را زير پا نهند و همواره قوم خود را بر حق بدانند، هرچند در بسياري امور حق با ديگران باشد، درنتيجه چنين تفكري تفرقه و تيرگي بر دل‌ها حاكم مي‌گردد. متأسفانه اين امر در بين مسلمين در مقاطع مختلف تاريخ و در نقاط گوناگون از جهان اسلام، باعث نزاع‌ها و جنگ‌هاي خانمان‌سوزي شده است. از سوي ديگر سلطه گران استعمار و استبداد با دامن زدن به اختلافات قومي و مذهبي و انديشه‌هاي ناسيوناليستي (ملي‌گرايي) و... به تقويت حاكميت خود در كشورهاي تحت سيطره‌ي خويش از طريق سياسي و فرهنگي و... مي‌پردازند. فرقه‌گرايي و نژادپرستي حربه‌اي است كه از سوي دشمنان اسلام مورد سوءاستفاده قرار مي‌گيرد تا از آن به‌عنوان عاملي براي تفرقه و پراكندگي مسلمانان بهره گيرند و به فتنه‌انگيزي و دسيسه‌چيني بپردازند.

قرآن كريم دراين‌ارتباط مي‌فرمايد: يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثى‌ وَ جَعَلْناكُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَليمٌ خَبيرٌ (حجرات/13) «اى مردم، ما شما را از مرد و زنى آفريديم و شما را ملّت ملّت و قبيله قبيله گردانيديم تا با يكديگر شناسايى متقابل حاصل كنيد. در حقيقت ارجمندترين شما نزد خدا پرهيزگارترين شماست. بدرستى، خداوند دانای آگاه است». از جابر بن عبدا‌ انصاري نقل‌شده كه: نوجواني از مهاجران و نوجواني از انصار به جان يكديگر افتادند، مهاجر يا مهاجران فرياد زدند: اي مهاجران! كمک و نوجوان انصاري هم فرياد زد: اي انصار! كمک. رسول خدا

(صلي ا عليه و آله و سلم) بيرون آمد و فرمود: اين چه‌كاري است؟ ستيزه‌جويي مردمان جاهليت؟ گفتند: نه، اي رسول خدا! اين دو نوجوان به جان هم افتاده و يكي از آن‌ها ديگري را زده است.

پيامبر (ص) فرمودند: بسيار خوب، هركس برادر ظالم يا مظلوم خويش را ياري رساند. اگر برادرش ظالم بود، او را آگاه سازد، اين براي او ياري به شمار مي‌آيد و اگر برادرش مظلوم بود او را ياري رساند. (قشيري نيشابوري، بي‌تا، 8/19) اين تعصبات كور كه آشكارترين جلوه‌هاي تفرقه و جدايي مي‌باشند در دوران معاصر در قالب «پان‌عربيسم» و «پان‌تركيسم» در جامعه اسلامي ظاهرشده‌اند، اين ايدئولوژي‌هاي ملي‌گرايانه و سياسي- فرهنگي خواهان وحدت فرهنگي، زباني و سياسي تمامي هم‌نژادان خويش‌اند. (رجاء، 1390، 177) اصل و مبدأ و ريشه اين نگرش (ناسيوناليستي) برگرفته از تفكرات غرب و استعمار است «استعمار براي اينكه اصل «تفرقه بينداز و حكومت كن» را اجرا كند، راهي از اين بهتر نديد كه اقوام و ملل اسلامي را متوجه قوميت و مليت و نژادشان بكند و آن‌ها را سرگرم افتخارات موهوم نمايد». (مطهري، 1366، 35) و اين‌چنين است كه آثار و تبعات سوء اين حركت متعصبانه جاهلي و نابخردانه وحدت امت اسلامي را نشانه گرفته و ابزاري براي توجيه عملكرد استعمار گشته است.

ج: فقدان رهبری صالح

پيامبران رهبران جامعه هستند و فقدان اين مسئله موجب تضعيف هر امت و ملتي است، نقش‌آفرينان آنان در مقياس پايين‌تر رهبران صالح‌اند. وجود رهبر صالح زمينه‌ساز اتحاد نيروها و انسجام و وحدت ملت و دولت است، بسياري از كشورهاي اسلامي اعم از آنان كه زير سلطه استعمار يا گرفتار استبداد داخلي بوده‌اند، از فقدان رهبري دلسوز و با درايت رنج‌برده‌اند و همين معضل، زمينه‌ساز حضور استعمارگران در اين كشورها شده است. درواقع، نبود چنين رهبري و يا ناتواني‌اش در ايفاي نقش خود، موجب از هم گسستگي زمام جامعه مي‌شود و نهضت‌هاي آزادي‌خواهي، در اندک زماني، به شكست منتهي مي‌گردد. (صالحي، 1390،155)

اين حاكمان طاغوتي و ناصالح همان‌گونه كه خود از معارف الهي بي‌بهره‌اند، امّا خويشتن را مدبّر و برنامه‌ريز و رهبر و راهبر مردم به‌سوي ترقي و رشد مي‌پندارند، مي‌كوشند تا ديگران را نيز در اين غفلت نگه‌دارند تا بدين‌وسيله به هدف خويش كه فرمان‌بري و اطاعت است دست يابند. (جوادي آملي، 1368، 65) خداوند دراين‌باره مي‌فرمايد: وَ نادى فِرْعَوْنُ فى قَوْمِهِ قالَ يا قَوْمِ أَ لَيْسَ لى مُلْكُ مِصْرَ وَ هذِهِ الْأَنْهارُ تَجْري مِنْ تَحْتي أَ فَلا تُبْصِرُونَ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هذَا الَّذي هُوَ مَهينٌ وَ لا يَكادُ يُبينُ فَلَوْ لا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جاءَ مَعَهُ الْمَلائِكَةُ مُقْتَرِنينَ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطاعُوهُ إِنَّهُمْ كانُوا قَوْماً فاسِقينَ (زخرف/54-51)

و فرعون در میان قوم خود ندا درداد و گفت: «ای مردم کشور من، آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر کاخ‌هاي من روان است از آنِ من نیست؟ پس مگر نمی‌بینید؟ آیا [نه] من از این کس که خود بی‌مقدار است و نمی‌تواند درست بیان کند بهترم؟ پس چرا بر او دستبندهایی زرّین آویخته نشده؟ یا با او فرشتگانی همراه نیامده‌اند؟ پس قوم خود را سبک‌مغز یافت و آنان را فریفت و اطاعتش کردند، چراکه آن‌ها مردمی منحرف بودند» «اصولاً راه و رسم همه حکومت‌هاي جبار و فاسد این است که برای ادامه خودکامگی باید مردم را در سطح پائینی از فکر و اندیشه نگهدارند و با انواع وسایل آن‌ها را تحمیق کنند، آن‌ها را در يك حال بي‌خبري از واقعیت‌ها فروبرند و ارزش‌هاي دروغین را جانشین ارزش‌هاي راستین کنند و دائماً آن‌ها را نسبتاً به واقعیت‌ها شستشوی مغزی دهند. چراکه بیدار شدن ملت‌ها و آگاهی و رشد فکری ملت‌ها بزرگ‌ترین دشمن حکومت‌هاي خودکامه و شیطانی است که با تمام قوا با آن مبارزه می‌کنند! این شیوه فرعونی یعنی استخفاف عقول با شدت هر چه تمام‌تر در عصر و زمان ما بر همه جوامع فاسد حاکم است، اگر فرعون برای نیل به این هدف وسایل محدودی در اختیار داشت طاغوتیان امروز با استفاده از وسایل ارتباط‌جمعي، مطبوعات، فرستنده‌های رادیوتلویزیوني و انواع فیلم‌ها و حتی ورزش در شکل انحرافی و ابداع انواع مدهای مسخره، به استخفاف عقول ملت‌ها می‌پردازند تا در بي‌خبري کامل فروروند و از آن‌ها اطاعت کنند» (مکارم شیرازي و همکاران، 1374، 21/88) و در موضعي دیگر از قرآن کریم آمده، بني‌اسرائیل براثر فقدان رهبري کارساز، از سوي دشمنان تار و مار شدند در اینجا بود که بزرگان قوم از پیامبرشان درخواست کردند تا حاکمي برایشان انتخاب کند تا به‌وسیله او اختلافات داخلی خود را برطرف نموده و قوایشان را تمرکز دهند و در تحت فرمان آن حاکم، درراه خدا کارزار کنند (طباطبایي، 1374، 2/433) أَ لَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِنْ بَني إِسْرائیلَ مِنْ بَعْدِ مُوسى إِذْ قالُوا لِنَبِيٍّ لَهُمُ ابْعَثْ لَنا مَلِكاً نُقاتِلْ في سَبیلِ اللَّهِ (بقره/246) «آیا از [حال] سران بني‌اسرائیل پس از موسی خبر نیافتی آنگاه‌که به پیامبری از خود گفتند: پادشاهی برای ما بگمار تا در راه خدا پیکار کنیم» درواقع وجود رهبري صالح با تأکید بر مباني، اصول و آرمان‌هاي مشترک در جوامع اسلامي از یک‌سو و اجتناب از طرح مباحث تفرقه‌برانگیز از طرف دیگر به انسجام وحدت و همدلي در جامعه اسلامي کمک مي‌نماید.

د: حکومت‌ها و کارگزاران فاسد در میان امت اسلامي

طاغوت‌ها و زمامداران فاسد در هر جامعه‌اي همچون غده‌هاي چرکیني هستند که سم زهرآگینشان تمامي اعضاي و پیکره‌ي یک جامعه را مسموم مي‌کند و مانع پویایي استعدادها و توانمندي‌هاي اعضاي آن جامعه مي‌شود. (محمد قاسمي، 1389، 20) این حاکمان براي تحقق اهداف و آرزوهاي نفساني‌شان بدون در نظر گرفتن منافع عمومي در جهت ارضاي نیات پلید شیطاني خویش با فدا کردن دیگران دست به هر حربه‌ي غیرانساني مي‌زنند. تاریخ گویاي این مسئله است که این سیاستمداران به نام اسلام و در جهت کامیابي خود دست به هر جنایتي مي‌زنند. قرآن کریم از زبان ملکه‌ي سبأ، ویژگي‌هاي این پادشاهان و

زمامداران جبّار را چنين معرفي مي‌كند:

قالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوها وَ جَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِها أَذِلَّةً وَ كَذلِكَ يَفْعَلُونَ (نمل/34)

پادشاهان هنگامي‌كه وارد منطقه‌ي آبادي مي‌شوند آن را به فساد و تباهي مي‌كشند و عزيزان آنجا را ذليل مي‌كنند (آري) كار آن‌ها همين‌گونه است. «در حقيقت ملكه‌ي سبأ كه خود پادشاه بود، اين طيف را به‌خوبي شناخته بود، بنابراين مي‌توان برنامه آن‌ها را در دو چيز خلاصه كرد: «فساد و ويرانگري» و «ذليل ساختن عزيزان» چراكه آن‌ها به منافع خود مي‌انديشند نه به منافع ملت‌ها و آبادي و سربلندي آن‌ها و هميشه اين دو بر ضد يكديگرند.» اين سيره دائمي طاغوتيان است و خداوند با عبارت «كَذلِكَ يَفْعَلُونَ» از آن ياد مي‌كند. (مكارم شيرازي و همكاران، 1374، 15/ 455)

امام خميني (قدس سره) نيز با تصريح بر اين مطلب بيان فرموده‌اند: مشكل مسلمين، حكومت‌هاي آنان هست. اين حكومت‌ها هستند كه به‌واسطه‌ي روابطشان با ابرقدرت‌ها و سرسپردگي‌شان به ابرقدرت‌هاي چپ و راست، مشكلات را براي ما و همه‌ي مسلمين ايجاد كردند. اگر اين مشكل از پيش پاي مسلمين برداشته شود آنان به آمالشان خواهند رسيد و راه‌حل آن به دست خود ملت‌هاست. (مصطفوي خميني،1379، 12/278)

هـ: تكفير يكديگر

تكفير و تفسيق‌هاي نابجا و نارواي مسلمانان، پديده است كه از تنگ‌نظري، بدبيني، مطلق انديشي و جهل به معتقدات و مباني انديشه‌ي ديگران نشئت مي‌گيرد و بيشترين زيان را متوجه جامعه و فرهنگ اسلامي كرده است. بسياري از كشمكش‌هاي خونين فرقه‌اي، قتل و حبس انديشمندان و نيز نابودي آثار ارزشمند فكري، ناشي از چنين روش و منشي بوده (آقا نوري، 1387، 286) و اكنون نيز دوباره نضج يافته و موجب عقيم شدن تلاش‌ها براي وحدت امت اسلامي گرديده است.

نخستين كسي كه در اسلام، اين ضربه بر او وارد شد، علي بن ابيطالب (ع) بود كه پس از واقعه‌ي حكميت در صفين از سوي خوارج تكفير گرديد كه چرا به رأي حَكَم‌ها گردن نهاده و بدين سبب اسلام براي قرن‌هاي متمادي دچار آسيب‌پذيري شديدي شد كه عوارض ناميمون آن جبران‌ناپذير بود و هنوز هم در شكل و صورت‌هاي ديگري، گه گاه، در امت اسلامي ظاهر مي‌شود. (پژوهنده، 124،1386) به‌گونه‌اي كه بنا بر فرموده امام باقر (ع): علي بن ابيطالب (ع) هيچ‌گاه خوارج را به كفر و شرك و نفاق متهم نكرد و سبب قتل آن‌ها نيز، خروجشان بر حاكميت اسلامي بود و نه كفرشان؛ چراكه فرمود: «هم اخواننا بغوا علينا؛ آنان برادران ما هستند كه بر ما شوريده‌اند». (حر عاملي، وسائل الشيعه،1409 ق، 11/62) همچنين از

حضرت صادق (ع) نقل‌شده است که فرمود: «اذا قال المؤمن لاخیه: اف انقطع ما بینهما فاذا قال له انت کافر کفر احدهما و اذا اتهمه انماث... هنگامي‌که مؤمن به برادرش بگويد: اف، از هم بريده مي‌گردند و اگر بگويد که تو کافري، يکي از آنان کافر مي‌گردد و چنانچه به او تهمت‌زده باشد، اسلام در قلبش آب مي‌شود، همانند نمک در آب». (کليني،1429 ق، 3/440) درهرحال تکفير بندگان به صلاحيت خداوند مربوط است و جزء وظيفه‌ي افراد بشر نيست چنانکه در آيات (حج/69)، (بقره/272)، (غاشيه/22)، (ق/45)، (يونس/99) به آن اشاره‌شده است.

و: دنياپرستي و پيروي از هوا و هوس

غرايز و احساسات، مايه‌ي بقاي زندگي انسان است و اگر از زندگي انسان حذف گردند، انسان نابود مي‌شود، ولي درعين‌حال اگر تعديل نشوند و حدود و مرز آن‌ها مشخص نگردد و انسان بازيچه غرايز مرز نشناس خود شود. در آن صورت تمام سرمايه‌هاي وجودي خود را براي نيل به آن بسيج کرده، چيزي جز آن را نمي‌تواند مشاهده کند و اين عشق هوس آلود پرده ضخيمي بر عقل و فکر او مي‌افکند. دنياطلبان و هواپرستاني که هيچ عملي را جز در راستاي رسيدن به مال و مقام انجام نمي‌دهند و در لحظات بحراني و مشکلات اجتماعي به جاي ميدان دادن به افراد لايق، بر حفظ قدرت و موقعيت حزب و جناح خويش تأکيد مي‌کنند، بزرگ‌ترين سنگ‌اندازي را بر سر راه اتحاد مسلمانان انجام مي‌دهند آنان به جاي چنگ زدن به حبل‌الله به‌عنوان محور وحدت، به ريسمان شيطان که همان دنياپرستي است متوسل شده و ايجاد تفرقه مي‌کنند. (صالحي 1390، 159) دنياطلبان و پيروان هوا و هوس مصداق اين آيه مبارکه از قرآن کريم‌اند که مي‌فرمايد: وَ إِذا رَأَوْا تِجارَةً أَوْ لَهْواً انْفَضُّوا إِلَيْها «و چون دادوستد- يعنی کاروان بازرگانی- يا سرگرمي را ببينند به‌سوي آن پراکنده مي‌شوند».

علي بن ابيطالب (ع) نيز با اشاره به اين خصيصه نکوهيده فرموده‌اند: منشأ اصلي تنازع و تفرق اجتماعي هواهاي نفساني است «إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْثُ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ فَلَا تَوَازَرُونَ وَ لَا تَنَاصَحُونَ وَ لَا تَبَاذَلُونَ وَ لَا تَوَادُّونَ» (نهج‌البلاغه خطبه 113) شما در دين خداوند با هم برادريد. چيزي جز ناپاکي درون و زشتي باطن، ميان شما جدايي نيفکنده و ازاين‌روست که يکديگر را در کارها ياري نمي‌کنيد و خير يکديگر را نمي‌خواهيد و به يکديگر چيزي نمي‌بخشيد و با هم دوستي نمي‌ورزيد. ابوالدرداء تابعي هم با تأکيد بر پليدي درون ناشي از جهل هوي و هوس مي‌گويد: اي بندگان خدا! شما را چه شده است که يکديگر را دوست نمي‌داريد، درحالي‌که شما برادر ديني يکديگر هستيد و جز پليدي درون، ميان خواسته‌هاي شما جدايي نيفکنده است و اگر بر يک‌چيز گرد آييد، يکديگر را دوست خواهيد داشت و اين (جدايي) جز از ايمان اندکي نيست که در دل داريد. (مناوي، بي‌تا، 2/31)

ز: بي‌اعتنايي به منابع ديني

از ديگر موانع دروني وحدت امت اسلامي، بي‌اعتنايي به منابع ديني است. هرگاه مسلمانان از يكديگر دور شده و در مجالس و محافل خويش به‌جاي اينكه با هم‌كيشان خويش مراوده داشته باشند، به غير خود تكيه نموده و آن‌ها را جايگزين دوستان نمايند، وقتي معارف اصيل ديني در رسانه‌ها و دانشگاه‌ها و ساير مراكز علمي – فرهنگي جايي نداشته باشد و در معرفي شخصيت‌هاي ديني كوتاهي شود در آن صورت حق و باطل با هم مشتبه شده و مردم افراد ناپاک و بي‌لياقت را الگو قرار مي‌دهند. (خسرو پناه، 1386، 33) خداوند حكيم در قرآن كريم مي‌فرمايد: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً (بقره/208) خطاب «الذين آمنوا» نشان مي‌دهد كه منظور از «دخول در سلم» اتحاد و اتفاق و پياده كردن توحيد در جامعه است لفظ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» مسلمانان را به وحدت اسلامی، دعوت و از تفرقه و اختلاف و تشتت آراء بر حذر مي‌دارد چراكه اختلاف همچون موريانه جامعه را از درون مي‌خورد و ناتوان مي‌سازد. (قرشي، 1377، 1/383) به گواهي تاريخ در فتح قلعه خيبر مسلمانان متحد به فرماندهی رسول خدا صلي اللّه عليه و آله به خيبر حمله برده و تعداد بي‌شماري از يهودی را مغلوب كردند (نصيري رضي،1381، 123) ولی در عصر ما يك ميليارد مسلمان در اثر اختلاف گروه‌ها و بي‌اعتنايی زمامداران به‌ظاهر مسلمان در دست يك‌مشت يهودی، مورد تمسخر واقع‌شده‌اند.

ح: محافظه‌كاري و سستي برخي عالمان ديني

علماء و دانشمندان جامعه درصحنه‌هاي مختلف آن داراي جايگاه خاصي هستند. اين جايگاه باعث مي‌گردد تا آنان نفوذ دوچندان پيدا كنند و به‌عبارت‌ديگر بستري براي آنان فراهم مي‌گردد تا از امكانات و شرايط ويژه‌اي برخوردار شوند. اين بزرگان با توجه به اين شرايط به دو شيوه عمل مي‌كنند، گروهي از آنان تا آنجا پيش رفته كه در اين راه جان خويش را تقديم نموده‌اند، اما برخي ديگر راه محافظه‌كاري را در پيش مي‌گيرند بدين شكل كه برخي رهبران و صاحبان انديشه و نفوذ راه انزوا و گوشه‌نشيني را انتخاب نموده و عملاً خود را از صحنه اجتماع و سياست دور مي‌نمايند و يا گاهي بااينكه در مجامع همبستگي اسلامي شركت مي‌نمايند اما راه محافظه‌كاري را در پيش مي‌گيرند.

مجمع جهاني تقريب مذاهب با هدف نزديک كردن و همدلي مذاهب اسلامي همواره در تلاش است تا وحدت امت اسلامي در عمل به بار نشيند و از سايه‌سار بركات اين وفاق و همدلي مسلمين بهره‌مند گردند. علت اصلي اين امر برخي از اصحاب تقريب‌اند كه باوجود شركت در اين مجمع جهاني به صحبت كردن و شنيدن سخنراني‌ها اكتفا مي‌كنند و در كشورهاي خود هيچ فعاليت فكري و عملي‌اي در اين راستا نداشته و محافظه‌كاري مي‌كنند. اگر اعتقاد محكمي به‌تقريب، به‌منظور تقويت وحدت اسلامي در جهان وجود داشته

باشد (ر.ک: محسني، 1387، 111) بي‌شک خداوند متعال نيز توفيق بيشتري در اين مسير به مسلمانان مرحمت مي‌فرمايد: إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِم (رعد/11) «در حقيقت، خدا حال قومی را تغيير نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغيير دهند». درواقع ميان تمامی حالات انسان و اوضاع خارجی، يك نوع تلازم است، پس اگر مردمی دارای ايمان و اطاعت و شكر باشند خداوند هم نعمت‌های ظاهری و باطني‌اش را به ايشان عطا مي‌كند و اگر آن‌ها وضع خود را تغيير داده و به كفر و فسق بپردازند خداوند هم نعمت خود را به نقمت مبدل كند و... (طباطبايي، 1374، 11/420) بنابراين هرقدر بزرگان و برجستگان مكتب اسلام داراي انديشه‌اي پويا و روحي پاک و بي‌آلايش و علمي سازنده باشند مطمئناً در دين ركود و نخوت رسوخ نمي‌نمايد و راه براي نفوذ وحدت‌شكنان ملل مسلمان بازنمي‌گردد.

موانع بيروني وحدت امت اسلامي

موانع بيروني در اين زمينه كه از جانب جبهه‌ي استكبار و استعمار بر پيكره‌ي جامعه اسلامي وارد مي‌شود اقتدار جامعه بزرگ مسلمانان را در سطح جامعه جهاني كمرنگ كرده است. هرچند كه وقوع انقلاب اسلامي در ايران و خيزش‌هاي بيداري در برخي كشورهاي اسلامي به تبعيت از نظام اسلامي ايران دراين‌بين نويدبخش آينده‌اي درخشان است، اما تا رسيدن به نقطه آرماني اين امت راهي طولاني در پيش رو دارند.

الف: نامشخص گذاشتن مرزهاي جغرافيايي

اختلافات سياسي و سرزميني اغلب به منش اقتدارگرايي حاكمان كشورهاي اسلامي بستگي داشته و دارد؛ كشمكش‌هاي حاكمان سرزمين‌هاي اسلامي با يكديگر كه به جهت توسعه‌ي دامنه قدرت، اما در ظاهر، شايد، به بهانه‌ي ديني و مذهبي رخ مي‌دهد كمترين اثر سوئي كه در داخل امت اسلامي دارد، تضعيف و مستهلک شدن قدرت دو طرف و از ميان رفتن شوكت و اقتدار كل امت اسلامي خواهد بود. (پژوهنده، 1386، 127) در طول حيات استعمار پير (انگليس) و به‌ويژه در طي دوران معاصر اين كشور در پي تسلط و تفوق بر سرزمين‌هاي ديگر و تأمين منافع استعماري خويش با نامشخص گذاشتن مرز ميان كشورهاي مختلف ازجمله كشورهاي اسلامي آتش دشمني بين اين ملت‌ها را روشن نمود. مناقشات امارات متحده عربي با ايران بر سر جزاير سه‌گانه ايراني (تنب بزرگ، تنب كوچک و ابوموسي) كه امارات هر از چند گاهي ادعاي مالكيت آن را مي‌كند و وقوع جنگ تحميلي (هشت‌ساله) عراق عليه ايران نمونه‌هايي از اين ترفندهاست. طبق نقشه اخير صدام حسين رئيس‌جمهور وقت عراق كه پس از سقوط حكومت پهلوي در ايران علاقه وافري به ژاندارمي آمريكا در منطقه از خود نشان مي‌داد، براي تحقق اين رؤياي شيرين در پي تحريكات و تحركات سياسي آمريكايي‌ها با طراحي سه هدف عمده: حاكميت بر اروندرود و حل‌وفصل دعاوي مرزي، جداسازي استان خوزستان از ايران و تضعيف منجر به سقوط نظام اسلامي كه از تبعات اهداف اول و دوم شمرده مي‌شد و

هدف اصلي غرب از درگير كردن دو كشور را تشكيل مي‌داد وارد تهاجمي هشت‌ساله با ايران شد. (كرامتي، 1383، 53؛ مركز مطالعات و تحقيقات جنگ، 1372، 20) در پي اين تهاجم بسياري از زيرساخت‌هاي ايران تخريب و درنتيجه حكومت اسلامي ايران به‌جاي اين‌كه آثار عقب‌ماندگي‌هاي گذشته را ترميم و بازسازي نمايد به‌ناچار در عرصه مقاومت و پايداري در برابر اين حملات گام نهاد و توانست درنهايت اين تجاوز را به سود خويش به پايان رساند.

ب: جنگ نرم

جهان اسلام به دليل ويژگي‌هاي ايدئولوژيكي (صبغه سياسي مذهبي) و ژئوپليتيكي (شرايط خاص جغرافيايي) و برخي منابع حياتي و دارا بودن برخي مناطق استراتژيک (خاورميانه) در صورت همبستگي و تفاهم مي‌تواند به قدرتي بزرگ و تأثيرگذار در معادلات بين‌المللي تبديل شود. به همين دليل مخالفان اسلام به‌خصوص جهان غرب يكي از راه‌هاي كليدي جهت تأمين منافع خود را تضعيف جهان اسلام از طريق ايجاد اختلاف ميان كشورها و مذاهب اسلامي مي‌دانند. (ر.ک: پاک آيين، 1389، 265) در تاريخ غارتگري و استثمار ملت‌هاي مسلمان استعمارگران با ترفندهاي مختلف در مقاطع گوناگون به ستيز با اسلام پرداخته‌اند. اين چپاولگران ابتدا با راه‌اندازي جنگ نظامي (سخت) به‌طور مستقيم وارد پيكار با مسلمانان شدند اما با شكست اين حربه آنان با هدف قرار دادن ارزش‌ها و مباني اسلامي به شبيخون فرهنگي روي آوردند. چنانكه غرب در جنگ نرم نيز با بكار گيري فنون عمليات رواني سياست‌هاي تفرقه‌افكنانه خود را همچنان پيش مي‌برد بدين منظور در سال‌هاي اخير دو تن از محافظه‌كاران آمريكا «توماس فريدمن» ((Freidman Tomas و «چايكن» (Chaiken) پس از انجام پروژه‌اي تحقيقاتي به دولتمردان آمريكايي، به‌ويژه اوباما پيشنهاد كردند در سخنراني‌ها از مفهوم «جهان اسلام» اجتناب كرده و به‌جاي آن از مفهوم «مسلمانان» استفاده كند. درواقع هدف اصلي جنگ نرم تأثيرگذاري بر افكار عمومي و به‌خصوص نخبگان هست. امروزه جنگ اينترنتي، ايجاد شبكه‌هاي راديوتلويزيوني و پخش شايعات اشكال مهم جنگ نرم هستند. در عرصه مقابله با وحدت اسلامي نيز، جنگ نرم درصدد تضعيف انديشه و تفكر تقريبي در بين علما و شخصيت‌هاي تأثيرگذار جهان اسلام است و در اين زمينه بودجه‌هاي هنگفتي را سرمايه‌گذاري مي‌كند. (ر.ک: پاک آيين، 1389، 266)

ج: نفوذ منافقان در صفوف مسلمين

نفاق و دورويي پديده شوم و خطرناكي است كه در هر عصر و زماني و جود داشته است و مي‌تواند وحدت و همبستگي هر جامعه‌اي را از درون مورد تهديد قرار دهد. خداوند در جاي‌جاي سوره‌هاي مدني، مؤمنان را از نقش خطرآفرين منافقان و فتنه‌گري آنان در اجتماع مسلمانان بر حذر مي دارد؛ چنانكه

در سوره‌ي مبارکه منافقون، منافق را کسي مي‌داند که با تظاهر به ايمان و پناه گرفتن در پوششي فريبنده و مقدس سعي مي‌کند به‌صورت آرام و نامحسوس، توطئه مخربي را ضد مذهب و صفوف يکپارچه اهل ايمان به وجود آورد. (يدا‌ پور و حيدري، 1390، 134) همچنين خداوند در اين سوره‌ي مبارکه با افشاي نقش منافق در جامعه، مسلمانان را نسبت به آراستگي ظاهر، چرب‌زباني و زيبا سخن گفتن اهل نفاق در جذب عامه مردم هشدار مي‌دهد: وَ إِذا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسامُهُمْ وَ إِنْ يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (منافقون/4) «و چون آنان را ببينى، هيكل‌هايشان تو را به تعجّب وامى‌دارد و چون سخن‌گويند به گفتارشان گوش فرا مى‌دهى گويى آنان شمعك‌هايى پشت بر ديوارند [كه پوك شده و درخور اعتماد نيستند]: هر فريادى را به زيان خويش مى‌پندارند. خودشان دشمن‌اند از آنان بپرهيز خدا بكشدشان تا كجا [از حقيقت] انحراف يافته‌اند».

در تاريخ صدر اسلام جبهه نفاق در غزوه‌ي احد با رسوخ در دل‌هاي افراد دهان‌بين که پيوسته گوش به سخنان منافقان و کافران مي‌دهند، باعث شکست مسلمين و زخمي شدن وجود مبارک حضرت محمد (ص) شدند. درحالي‌که پيامبر (ص) طبق طراحي جنگي خويش با توجه به موقعيت جغرافيايي کوه احد به دسته‌ي تيراندازان به رهبري عبدا‌ بن جبير فرمود: روي تپه مستقر شويد و نگذاريد دشمن با دور زدن اين کوه از پشت سر وارد ميدان شود و ما را غافلگير سازد شما هرگز اينجا را ترک نکنيد خواه ما در نبرد پيروز شويم يا مغلوب گرديم؛ اما با نفوذ و اغواي منافقان در ميان نگهبانان تپه، سربازان اسلام آن محل را تخليه کرده و راه را براي افراد دشمن باز گذاردند. (رک: ابن اثير،1371، 3/ 988)

اين گروه به‌ظاهر صلح‌طلب و آزادي‌خواه از هر فرصتي در جهت خدشه‌دار شدن وحدت و انسجام اسلامي استفاده مي‌کنند. در ايران اسلامي اين گروهک‌هاي تروريستي تحت عنوان «مجاهدين خلق»، فرقان و... فجايع عظيمي را به بار آورده و لطمات جبران‌ناپذيري بر پيکر انقلاب نو پاي اسلامي زدند اما آوارگي و دريوزگي آنان در اروپا و آمريکا حاکي از نقشه بر آب شدن اهداف پليدشان است.

د: فرقه سازي و حمايت از فرقه‌هاي انحرافي

از ديگر شيوه‌هاي تفرقه‌افکني استکبار در ميان امت اسلامي، ايجاد فرقه‌ها و مذاهب و نيز حمايت از فرق انحرافي و تندرو بوده است. در عصر معاصر استعمار گران شرق و غرب در پي نفوذ معارف و رسوخ فرهنگ غني اسلام در بين توده‌هاي مسلمين و تأثيرپذيري ساير ملت‌ها از آنان در طراحي نقشه‌ي شيطاني به شکار طعمه‌هاي خويش در مراکز ديني و حوزه‌هاي مطرح در اين بلاد پرداختند. شکل‌گيري فرق ضاله ازجمله مولود اين انديشه‌ي ناپاک و خبيث است. (ر.ک: حسيني، 1388، 168) به‌عنوان نمونه فرقه نوپاي

وهابيت كه به دستور مستقيم وزارت انگلستان ايجادشده است در مدت كوتاهي به‌واسطه حمايت‌هاي بي‌دريغ اين دولت توانست انديشه‌هاي خود را در راستاي سياست‌هاي استعماري بريتانيا و ايالات‌متحده‌ي آمريكا در ايجاد تشتت و تفرقه در دنياي اسلام و بهره‌برداري از ذخاير مادي و معنوي آنان محقق سازند. وضعيت كنوني عراق، افغانستان، پاكستان و... بهترين گواه اين سخن است. (ر.ك: كرماني، 1389، 434-430)

تقويت و ايجاد گروهك‌هاي تروريستي از ديگر اقدامات دشمن در اين عرصه است كه نمونه آن‌ها گروهك تروريستي داعش هست كه با ادعاي تشكيل دولت اسلامي عراق و شام مدتي است با حمايت مادي و معنوي غرب در مناطق اسلامي سوريه، عراق و... طبق سناريوي از پيش تعيين‌شده با هدف ضربه زدن به وحدت و انسجام اسلامي دست به جنايات هولناكي در اين مناطق زده است كه در جاي خود قابل‌بحث و بررسي و ريشه‌يابي است.

نتيجه‌گيري

موانعي از درون و بيرون وحدت امت را تهديد مي‌كند شناخت اين موانع راهي در جهت بازيابي وحدت امت اسلامي و تحكيم مباني آن است. با نگاهي به تاريخ اسلام و حيات جمعي مسلمانان، مي‌توان گفت كه از گذشته‌هاي دور تا عصر حاضر همواره كساني بوده‌اند كه با انگيزه‌هاي نكوهيده و نامقدس و يا به‌ظاهر ستوده و مقدس، در مسير وحدت اسلامي سنگ‌اندازي كرده‌ و مانع به ثمر رسيدن آن شده‌اند. عواملي چون فقدان رهبري صالح، دنياپرستي و پيروي از هوا و هوس، ملي‌گرايي تعصب‌هاي مذهبي- قومي- نژادي و قبيله‌اي، تكفير يكديگر، افراط‌وتفريط مسلمين، محافظه‌كاري عالمان ديني، جهل و ناآگاهي توده مردم، حكومت‌ها و كارگزاران فاسد، بي‌اعتنايي به منابع ديني جزء مهم‌ترين عوامل دروني هستند كه اتحاد امت اسلامي را تهديد مي‌كنند و مواردي نظير نامشخص گذاشتن مرزهاي جغرافيايي، فرقه سازي و حمايت از فرقه‌هاي انحرافي، جنگ نرم، نفوذ منافقان در صفوف مسلمين از بيرون مانع وحدت امت اسلامي مي‌شوند.

فهرست منابع

1. قرآن كريم (ترجمه‌ي محمدمهدي فولادوند)

2. نهج‌البلاغه (ترجمه محمد دشتي)

3. آشوري، داريوش (1389) دانشنامه سياسي «فرهنگ اصطلاحات و مكتبهاي سياسي» (نوزدهم)، تهران: مروارید.

4. آقا نوري، علي (1387) امامان شيعه و وحدت اسلامي (اول)؛ قم، انتشارات اديان و مذاهب.

5. آمدي، عبدالوحد، (1366) غررالحكم و دررالكلم، قم: مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه‌ي علميه قم.

6. ابن اثير، عزالدين (1371) تاريخ كامل، ترجمه‌ي محمدحسين روحاني (اول)، تهران: انتشارات اساطير.

7. ابن منظور، محمد بن مكرم (1414 ق) لسان العرب (سوم)، بيروت: دار صادر.

8. ابن فارس، احمد بن زكريا (1387) ترتيب معجم مقاييس اللغة (اول) قم: مركز دراسات الحوزه و الجامعة.

9. ايزوتسو، توشيهيكو (1360) ساختمان معنايي مفاهيم اخلاقي- ديني در قرآن (اول)، بي‌جا: انتشارات قلم.

10. پاک آيين، محسن، جنگ نرم، امت اسلامي از تنوع مذهبي تا فرقه‌گرايي مجموعه مقالات «فن مقابله با تقريب مذاهب اسلامي»، تهران: مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي، اول: 1389، 265

11. پژوهنده، محمدحسين (1386)، «آسيب‌شناسي وحدت اسلامي»، نشريه علوم اجتماعي (مجله پژوهش‌هاي اجتماعي اسلامي)،

12. جوادي آملي، عبدا (1368) ولايتفقيه رهبري در اسلام (دوم)، قم: مركز نشر فرهنگي رجاء.

13. _____ (1388) جامعه در قرآن (دوم)، قم؛ مركز نشر اسراء.

14. _____ (1386) وحدت جوامع در نهجالبلاغه (دوم)، قم؛ مركز نشر إسراء.

15. حر عاملي، محمد بن حسن (1409 ق) تفصيل وسائل الشيعه الي تحصيل مسائل الشريعة (اول)، قم؛ موسسه آل البيت عليهمالسلام لاحياء التراث.

16. حسيني، محمد رسول (1388) وحدت اسلامي «مباني، عرصهها، موانع و راهكارها» (اول)، قم؛ جامعة المصطفي (ع) العالميه.

17. خسرو پناه، عبدالحسين (1386) آسيبشناسي جامعه ديني (سوم)؛ تهران؛ دفتر نشر معارف.

18. رجاء، علياصغر (1390) تجزيه جهان اسلام؛ چرايي و پيامدها (اول) قم؛ مركز بينالمللي ترجمه و نشر المصطفي (ع).

19. صالحي، پيمان، (1390) راهكارهاي مقابله با نفوذ بيگانگان در نهضتهاي بيداري اسلامي از منظر قرآن؛ پژوهشنامه معارف قرآن كريم؛ چهارم، ش 13، 155،1390.

20. طباطبايي، محمدحسين (1374) تفسير الميزان (ترجمهي محمدباقر موسوي همداني)، (اول)؛ قم، جامعه مدرسين حوزه علميه.

21. طريحي، فخرالدين (1375) مجمع البحرين (سوم) تهران؛ كتابفروشي مرتضوي.

22. طيب، عبدالحسين (1378) اطيب البيان في تفسير القرآن (دوم) تهران؛ انتشارات اسلام.

23. فيروزآبادي، محمد بن يعقوب (1430 ق) قاموس المحيط (اول) بيروت: المكتبة العصرية.

24. قشيري نيشابوري؛ مسلم بن حجاج (بيتا) صحيح مسلم، بيروت: دارالفكر.

25. قرشي، علياكبر (1377) تفسير أحسن الحديث (سوم) تهران؛ بنياد بعثت.

26. كرامتي، محمدتقي (1383) وسوسه شيطان بزرگ: جريان شناسي فعالان رابطه با آمريكا از دولت موقت تا دولت اصلاحات (اول)، قم: هماي غدير.

27. (1372) روزشمار جنگ ايران و عراق (كتاب چهارم: هجوم سراسري)، تهران: مركز مطالعات و تحقيقات جنگ.

28. كرماني، طوبي، مجموعه مقالات امت اسلامي از تنوع مذهبي تا فرقه‌گرايي: «عوامل گرايش به فرقه‌گرايي»، تهران: مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي- معاونت فرهنگي، اول: 1389، 434-430

29. كليني، محمد بن يعقوب (1429 ق) الكافي (اول)، قم؛ دار الحديث.

30. لوبون، گوستاو (1378) تاريخ تمدن اسلام و غرب، ترجمه محمدتقي فخر داعي گيلاني (اول)، تهران: دنياي كتاب.

31. محسني، محمد آصف (1387) تقريب مذاهب از نظر تا عمل (دوم)، قم؛ نشر اديان.

32. محمدقاسمي، حميد (1389)، اصلاح و افساد در داستان‌هاي قرآن (اول) تهران؛ سازمان تبليغات اسلامي، شركت چاپ و نشر بين‌الملل.

33. مطهري، مرتضي (1366) خدمات متقابل اسلام و ايران (چهاردهم) تهران؛ انتشارات صدرا.

34. معز الدين، محمد سعيد، آواي وحدت: «ناسيوناليسم و همبستگي اسلامي»، بي‌جا: مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي، اول: 1374، 295-294

35. معين، محمد (1375) فرهنگ فارسي (نهم) تهران؛ انتشارات اميركبير.

36. مكارم شيرازي و همكاران، ناصر (1374)، تفسير نمونه (اول) تهران؛ دارالكتب اسلاميه.

37. موسوي خميني، روح‌ا (1379)، صحيفه نور (سوم) تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (قدس سره)

38. مناوي، محمد عبدالرؤوف (بي‌تا)، فيض القدير، بيروت: دارالكتب العلمية.

39. نصيري رضي، محمد (1381) تاريخ تحليلي اسلام (هفتم)، قم؛ انتشارات معارف.

40. هاشمي خوئي، حبيب‌ا‌ (1400 ق) ترجمه‌ي منهاج البراعة في شرح نهج‌البلاغة (حسن حسن‌زاده آملي و محمدباقر كمره‌اي) تهران؛ مكتبة الاسلامية.

41. يدا‌ پور، بهروز و صادق حيدري (1390)، راههاي نفوذ بيگانگان در نهضت‌هاي بيداري اسلامي از ديدگاه قرآن كريم؛ پژوهشنامه معارف قرآن كريم؛ سال چهارم، ش 13، 1390، 134.

[1]. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم،ahadda com.gmail@vari؛

[2] . دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی مراغه،shafiei88shiraz@gmail.com ،

[3] . دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی مراغه،hakimeyari93@yahoo.com ،